

مریم شهبازی

خبرنگار

تا همین یک دهه قبل تاریخ جایگاه چندانی در آثار ادبی معاصر نداشت؛ بویژه در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان که کاری غیرمعمول هم به شمار می‌آمد. بایین حال نویسندگانی همچون رضا جولایی و کمی بعد تر هم حمیدرضا شاه آبادی نشان دادند که می‌توان حتی برای این گروه سنی، داستان‌های جذاب با مضامین تاریخی نوشت. البته یکی از دلایل موفقیت شاه‌آبادی در جلب خوانندگان به آثارش را باید در این دانست که او افزون بر نویسنده، پژوهشگر تاریخ نیز هست؛ دوره تاریخی موردعلاقه‌اش هم زمان قاجار، با تأکید بر شرایط حاکم بر تهران است. او دلیل توجه به این برهه تاریخی را مملو بودن آن از اتفاقات خاص و عجیبی می‌داند که می‌توان از آنها در خلق داستان‌های جذاب بهره گرفت. این نویسنده و مدرس داستان‌نویسی که در گذشته مدیریت «انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و هم اکنون هم مدیرعاملی «انتشارات مدرسه» را به عهده دارد آثار متعددی، بویژه در حوزه کودک و نوجوان و همچنین پژوهش‌های تاریخی منتشر کرده که برخی از آنها موفق به کسب موفقیت‌های داخلی و بین‌المللی شده‌اند. از جمله می‌توان به کسب جایزه اول «جشنواره رشد»، «لوخ تقدیر شورای کتاب کودک»، عنوان کتاب برگزیده «کتابخانه بین المللی مونیخ» و همچنین نامزدی «جایزه جهانی آسترید لیندگرن» برای سال ۲۰۲۱ اشاره کرد.
بتازگی کتاب «موزی که می‌خندید» از نوشته‌های حوزه کودک شاه‌آبادی هم در فهرست «آثار ممتاز جهان درباره کودکان و نوجوانان معلول» به انتخاب دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان «IBBY» قرار گرفته، گفت‌وگویی به این مناسبت با حمیدرضا شاه‌آبادی پیرامون ادبیات داستانی کودک و نوجوانمان داشته‌ایم که می‌خوانید.



■ یکی از نوشته‌های شما به‌تازگی در فهرست «آثار ممتاز جهان در مورد کودکان و نوجوانان معلول» به انتخاب «IBBY» قرار گرفته است؛ قبل از هر سؤالی درباره این کتاب بگویید و اینکه به نظرتان چه ویژگی خاصی منجر به انتخاب کتابتان، آن‌هم در گستره بین‌المللی شده است؟

قبل از پاسخ به این سؤال باید درباره مسأله‌ای صحبت کنم، ایده اصلی کتاب «موزی که می‌خندید» از تصویرگر کتاب، حسن موسوی بود و من بعد از تصویرگری کار برای آن داستان نوشتم. اما از این نکته که بگذریم، به گمانم مسأله‌ای که منجر به توجه جهانی

به این اثر شده در مایه داستانی‌اش نهفته است. مضمون داستان «موزی که می‌خندید» درست برخلاف تصور اشتباهی است که برای سالیان سال همگان را گرفتار کرده بود، اینکه گمان می‌شد معلولان افرادی ناتوان و فاقد هرگونه قابلیت آدم‌هایی با شرایط جسمانی عادی هستند. اما امروزه شرایط عوض شده و می‌دانیم که معلولان، افرادی با توانایی‌های متفاوت هستند، نه اینکه ناتوان باشند. شاید فردی نابینا باشد اما سایر حواسش به‌مراتب قوی‌تر از آدم‌های بینا باشد. احترام گذاشتن به تفاوت‌های آدم‌ها، موضوعی است که باید از سن کم آموزش داده شود تا وقتی با کودکان معلول روبه‌رو شدند قادر به درک تفاوت‌ها در آنها باشند. از سوی دیگر خود کودکان معلول هم باید بی‌بیزدنه که تفاوت‌هایی میان افراد مختلف وجود دارد و این دلیل غیرعادی بودن یا حتی ناتوانی آنان نیست؛ اینها ننگ‌ای است که به‌نوعی در خلال داستان و تصاویر «موزی که می‌خندید» آمده است.

■ و در این بین آثار داستانی چه کار کردی در این؟
خب این مسأله‌ای است که با بهره‌گیری از ابزار قدرت‌مندی همچون ادبیات داستان، قابل انتقال به کودکان و نوجوانان است. داستان حتی به کودکان معلول کمک می‌کند با تفاوت‌های خود کنار بیایند و از دنبال کردن آرزوهایی که در سر دارند ناامید نشوند. در این بین ایده داستان «موزی که می‌خندید» هم ابتکار قشنگی بوده که با تصویرگری بسیار خوش هم همراه شده، من هم تلاش کردم متن متناسبی برای آن بنویسم. فارغ از این کتاب، به گمانم ادبیات کودک ایران از سطح کیفی قابل قبولی در عرصه جهانی برخوردار است؛ آن چنان‌که نویسندگان این گروه سنی در برابر نویسندگان دیگر کشورها حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. اهالی سایر کشورها و حتی نویسندگان خارجی وقتی داستان‌های کودک و نوجوان ما را می‌خوانند ابراز شگفتی می‌کنند. البته این مسأله شامل حال همه آثار تاریخی این گروه سنی نیست، اما به‌طورقطع بخشی از آنها بسیار شاخص هستند. در کنار ادبیات، تصویرگری و حتی شکل چاپی کتاب‌های این بخش هم کیفیت خوبی دارد که همه این موارد منجر به بالا بردن معدل ادبیات کودک و نوجوان در سطح بین‌المللی شده است.

■ در عرصه ادبیات داستانی کشورمان، ادبیات بزرگسال خیلی زودتر از آثار کودک و نوجوان موفق به کسب موفقیت‌هایی، حداقل در سطح داخلی شده بایین حال چرا ادبیات این گروه سنی سرعت بیشتری در مسیر معرفی جهانی‌اش پیدا کرده است؟

بله، عمر ادبیات کودک و نوجوان در کشورمان کمتر از ادبیات داستانی بزرگسال است؛ شکل‌گیری ادبیات کودک به زمانی



حامدرضا شاه‌آبادی

گفت‌وگو با حمیدرضا شاه‌آبادی به بهانه راه‌یابی کتابش به فهرست آثار ممتاز جهان درباره کودکان معلول

سطح جهانی ادبیات کودک‌مان قابل قبول است

کودک بسیار مؤثر بوده‌اند. این نهادها نظارت قابل توجهی هم به آثار تألیفی و حتی ترجمه شده در قالب ارائه فهرست آثار برتر، برپایی جشنواره‌ها و جایزه‌های مختلف داشته‌اند و شوق‌های مختلفی را سبب شده‌اند.
■ عمده‌صحبت‌های شما درباره ادبیات کودک است، برای ادبیات نوجوان چه جایگاهی قابل توجه است؟
نوجوانی، یک دوره سنی خاص، با مسائل مرتبط به خود است؛ شاید بتوان آن را نتیجه طولانی شدن دوران کودکی دانست که اتفاقاً دوره سختی هم به شمار می‌آید. در گذشته کودکان حتی پیش از ۱۰ سالگی وارد بازار کار می‌شدند؛ رفته‌رفته با بهبود شرایط اقتصادی از اجبار کار کردن دور شدند؛ همان‌طور که برای چند سؤال قبل اشاره شد، اینها به‌مرور به گروه غیرمکلف اجتماعی تبدیل شدند، درست برخلاف گذشته. در دوره قاجار یک پسر ۱۳- ۱۲ساله ازدواج می‌کرد و خانواده‌دار می‌شد. اما این شرایط به‌مرور تغییر کرد،

کمتری در مقایسه با ادبیات بزرگسال‌مان روبه‌رو هستیم. در این بخش، سلیقه‌های مختلف خیلی راحت‌تر از حوزه بزرگسال زیر یک سقف جمع می‌شوند و کاری‌کنند. اختلاف فکری هم میان مسئولان ادبیات این گروه به‌مراتب کمتر است. به‌طور تقریبی همه، ویژگی‌هایی را به‌عنوان خصلت‌های اصلی ادبیات کودک و نوجوان پذیرفته‌اند و بر آن اساس به زبان مشترکی برای گفت‌وگو دست پیدا کرده‌اند. حتی حدود یک دهه‌ای است که نویسندگی این بخش مهم فرهنگمان هستیم. نکته دیگری که نباید فراموش کرد این است که برای چند دهه متوالی با هر سنی قابل توجه کودکان و نوجوانان طرف بودیم که بازار خوبی برای عرضه این کتاب‌ها را شکل داد. آن چنانکه گاهی شمار کتاب‌های کودک، چندین برابر کتاب‌های بزرگسال است. همان‌طور که اشاره شد نهادهایی همچون شورای کتاب کودک هم در شکل‌گیری مفهوم و تعریف واحد ادبیات

چاپ شد و یازده هزار نسخه از آن فروش رفت. بزرگسالان هم آن را خواندند و موفق به کسب جوایز مختلفی هم شد. چرا؟ به این خاطر که تاریخ به شما اجازه می‌دهد جهان داستانی متفاوتی بسازید، جهانی برخوردار از ویژگی‌های خاصی که مدنظر خودتان است. تاریخ به نویسنده اجازه استفاده از سرمایه آدم‌های گذشته را می‌دهد تا از آن طریق خواننده خود را شگفت‌زده کنند. تاریخ مملو از داستان و ویژگی‌های جذاب داستانی ست.
■ البته بخشی از جذابیت سه‌گانه «دروازه مردگان» به‌واسطه بهره‌گیری‌تان از ژانر وحشت است و فقط بحث تاریخ در میان نیست؛ ادر حوادث تاریخی آن قدر جذابیت هست که به‌تنهایی قادر به جذب مخاطب سخت‌پسند نوجوان باشد؟

شما به بهره‌گیری از ژانر وحشت در خلق این رمان اشاره کردید در صورتی‌که صحنه‌های ترسناک جلد نخست آن از صفحه ۱۵۰ شروع می‌شود و در نهایت ۹۰ صفحه‌است؛ آن‌هم از رمانی ۲۴۰ صفحه‌ای! با این وجود خوانندگان از همان صفحات نخست با کتاب همراه می‌شوند. آشنایی با تهران قدیم و حوادث آن زمان و حتی زندگی اجتماعی مردم جذاب است که هیچ ربطی هم به مایه‌های ترسناک داستان ندارد.

■ برای خود شما در انتخاب موضوعات تاریخی تنها بحث جذب مخاطب در میان است یا به‌دنبال زنده نگه‌داشتن برهه‌ای از گذشته‌هستد؟

شما حتی وقتی به سراغ نوشتن از انسان‌های اولیه هم بروید به‌رحال مشکلات و مسائل انسان معاصر برایتان مهم است چراکه به‌رحال پای مسائلی همچون عشق، حسادت، رقابت و... هم در میان می‌آید که میان ساکنان همه دوره‌ها مشترک هستند. نوشتن در فضای تاریخی هم به شما این امکان را می‌دهد که بفهمید این مسائل چقدر دیرپا هستند و هم این‌که یاد بگیرید چطور در فضای متفاوت آن‌را در بازگو کنید. اغلب ما برای درک فضاهای تازه و تجربه‌های جدید داستان می‌خوانیم و رفتن به جهان‌های متفاوت نویسنده را در این مسیر موفق‌تر می‌کند.

■ با توجه به رشته تحصیلی‌تان که تاریخ بوده، فراتر از بحث ابزاری در جهت جذب مخاطب و صحبت درباره مسائل انسان‌ها، خودتاریخ هم برای شما اهمیت‌دارد؟
وقتی به سراغ داستان‌نویسی تاریخی می‌روم نخست به ادبیات متعدد هستم و بعد به تاریخ. از همین رو شاید در موارد بسیاری از توجه به آن صرف‌نظر کرده و حواسم را بر خود داستان متمرکز می‌کنم. از همین رو با آثار داستانی که تنها باهدف بازگو بخشی از تاریخ نوشته می‌شوند مخالف هستم.

■ و مخالفت‌تان با بازگویی صرفاً تاریخی دوره مشخصی از گذشته در آثار داستانی از چه بابت است؟

باید میان داستان، تاریخ‌نگاری و حتی پژوهش تاریخی تفاوت‌هایی قابل شویم و در هیچ‌کدام از این‌بخش‌ها نباید یکی را فدای دیگری کرد. من نوعی وقتی خواهان تاریخی‌رمان یا داستانی تاریخی هستم، مبنای اصلی‌ام ادبیات است و دلیلی ندارد داستان‌نویسی را قربانی بازگویی تاریخ کنم. نه! من هرگز چنین کاری انجام نمی‌دهم و در مضامین تاریخی تنها برای خلق آثار ادبی استفاده نمی‌کنم.

■ شما افزون بر نویسنده، به‌عنوان پژوهشگر تاریخی هم شناخته می‌شوید؛ این پژوهش‌ها وجهه دیگر زندگی‌تان را می‌هستند یا توجه به آن‌ها در جهت خلق آثار ادبی است؟

پژوهش‌های تاریخی‌ام بیشتر منعکس‌کننده نگاه کنج‌وایک ادبیاتی در زمانی است که در دنیای تاریخ قدم می‌زنم. از همین رو اغلب پژوهش‌هایی‌که انجام داده‌ام ارتباط نزدیکی با ادبیات و بویژه برای این‌طور نیست که بگویم این استفاده در حوزه کودک و نوجوان هم به‌اندازه بزرگسال رایج شده، بویژه این‌که مخاطبان کودک و نوجوان معمولاً از درس تاریخ بیزار هستند و جلب‌توجه آنان به کاری برخوردار از مضامین اینجیننی قدری سخت‌است.

■ بایین حال اغلب رمان‌های نوجوان شما با محتوای تاریخی هستند؛ همچون رمان «دروازه مردگان» که جوایز متعددی هم کسب کرد!

بله، هرچند که ابتدای ورودم به این سبک داستان‌نویسی با مشکلاتی همراه بود، ازجمله این‌که برای ناشران و حتی خود اهالی کتاب ادبیات‌نویسی تاریخی برای کودکان و نوجوانان کاری غیرمعمول بود. وقتی همین رمانی که اشاره کردید را برای انتشار به ناشر سپردم حس کردم که تنها به‌صرف احترامی که برای نوشته‌های من قائل بود آن را رد نکرد. شاید پیش‌خود گفته‌ام که می‌توان برای بچه‌ها داستانی در حال و هوای دوره قاجار نوشت که تازه بخش‌هایی از آن در ژانر وحشت هم باشد و مخاطب هم آن را پس‌زند. با این حال وقتی رمان منتشر شد در زمان کوتاهی مورد توجه قرار گرفت، طی یک سال شش مرتبه تجدید

از زیبایی‌تان به‌طور خاص از آثار ادبی گروه نوجوان چیست؟

ادبیات داستانی نوجوان طی یکی-دو دهه اخیر هویت پیدا کرده که ازجمله عوامل مؤثر بر آن می‌توان به اجرای پروژه رمان نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان در تشویق بیشتر نویسندگان اشاره کرد. این در حالی ست که تا همین یک دهه قبل عمده نویسندگان، نوجوانان را همچنان کودک تصور می‌کردند. برای خود من زمان زیادی صرف شد تا بفهمم نوجوان‌ها را نباید کودک فرض کنم؛ تا قبل از آن‌که رمان «لالایی برای دختر مرده» را بنویسم گمان می‌کردم برای داستان‌نویسی نوجوان باید خودم را در مرحله نازل‌تری قرار بدهم و سطح همه‌چیز را پایین‌تر ببرم. بعد از تألیف این رمان به خود جرأت ورود به فضاهایی را دادم که پیش‌تر برای نوجوانان توجهی به آنها نشده بود و آنها را خاص بزرگسالان می‌دانستند. کتاب که منتشر شد با استقبال زیادی از سوی مخاطبان هفدم رویه‌ر شد و من یاد گرفتم و فهمیدم که بزرگ‌ترین رمز موفقیت داستان‌نویسی در این عرصه جدی گرفتن نوجوانان است.

■ چه اتفاقی افتاده که ژانر نویسی مدتی است در کشورمان همپای ادبیات بزرگسال پیش می‌رود؟

در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان این تغییر تحت تأثیر ادبیات ترجمه رخ داده است؛ وقتی گرایش مخاطبان به آثار ترجمه‌شده‌ای که در قالب ژانر هستند بالاست؛ طبیعی است که مؤلفان هم به فعالیت در این زمینه توجه بیشتری نشان بدهند.

■ در دهه‌های ابتدایی، نویسندگان توجه چندانی به بحث ساختار در داستان‌های کودک و نوجوان نداشتند؛ از آنجایی‌که خودتان هم در عرصه نشر فعالیت دارید حالا وضعیت را چطور می‌بینید؟

شرایط به‌مراتب بهتر از یک دهه قبل شده، البته همچنان با نویسندگانی طرف هستیم که توجهی به ساختار ندارند و از روایت‌های ساده و بدون پیچیدگی استفاده می‌کنند. اغلب داستان‌های کوتاه به‌هم‌پیوسته یا داستان بلند کش‌دار را به اسم رمان می‌نویسند و توجه کمتری به ماهیت رمان دارند. در برابر این‌ها، با گروه دیگری از نویسندگان طرف هستیم که اهمیت بیشتری برای ساختار قائل هستند و تلاش می‌کنند به معنای واقعی کلمه، برای نوجوانان رمان بنویسند. البته مواجیه با آثار ضعیف و قوی، خاص آثار ایرانی نیست و در عرصه جهانی هم مصداق‌های زیادی دارد منتها چون در بحث ترجمه با آثار گلچین شده روبه‌رو هستیم کمتر آن را حس می‌کنیم. اگر به‌مواردی همچون جدی گرفتن نوجوانان، سطح سلیقه آنان و از سویی وجود رقابت جدی در آثار خارجی توجه نکنیم بی‌شک شکست خواهیم خورد.

■ کتاب‌های تألیفی این گروه سنی چه جایگاهی در برابر آثار ترجمه‌دارند؟

مهم‌ترین ویژگی ادبیات کودک و نوجوان ما افت‌وخیزهای متعددی است که تا به امروز پشت سر گذاشته. در این عرصه هیچ‌کدام متحنی ادبیات به‌طور مستقیم ر به‌صعود یا حتی سقوط نبوده. گاهی با پیشرفت‌هایی بسیار خوب روبه‌رو شده‌ایم و دوره‌ای هم شرایط به‌گونه‌ای پیش رفته که چندان مطلوب نبوده است. البته این مسأله از دلایل مختلفی نشأت گرفته، ازجمله چگونگی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در این عرصه.

■ از چرایی ویژگی خاصی بگویید که طی چند سال اخیر نه‌تنها در رمان نوجوان، بلکه در عرصه بزرگسال هم موارد متعددی از آن را داشته‌ایم؛ بحث توجه نویسندگان به مضامین تاریخی!

خلق آثار ادبی در فضای تاریخی برخوردار از ویژگی‌های مختلفی است که می‌تواند منجر به موفقیت شود. البته این‌طور نیست که بگویم این استفاده در حوزه کودک و نوجوان هم به‌اندازه بزرگسال رایج شده، بویژه این‌که مخاطبان کودک و نوجوان معمولاً از درس تاریخ بیزار هستند و جلب‌توجه آنان به کاری برخوردار از مضامین اینجیننی قدری سخت‌است.

■ بایین حال اغلب رمان‌های نوجوان شما با محتوای تاریخی هستند؛ همچون رمان «دروازه مردگان» که جوایز متعددی هم کسب کرد!

بله، هرچند که ابتدای ورودم به این سبک داستان‌نویسی با مشکلاتی همراه بود، ازجمله این‌که برای ناشران و حتی خود اهالی کتاب ادبیات‌نویسی تاریخی برای کودکان و نوجوانان کاری غیرمعمول بود. وقتی همین رمانی که اشاره کردید را برای انتشار به ناشر سپردم حس کردم که تنها به‌صرف احترامی که برای نوشته‌های من قائل بود آن را رد نکرد. شاید پیش‌خود گفته‌ام که می‌توان برای بچه‌ها داستانی در حال و هوای دوره قاجار نوشت که تازه بخش‌هایی از آن در ژانر وحشت هم باشد و مخاطب هم آن را پس‌زند. با این حال وقتی رمان منتشر شد در زمان کوتاهی مورد توجه قرار گرفت، طی یک سال شش مرتبه تجدید

تگاهی به سه گانه «دروازه مردگان»

همان طور که در خلال گفت‌وگوی امروز هم اشاره شد، حمیدرضا شاه‌آبادی را می‌توان از زمره نویسندگانی دانست که به‌ویژگی تاریخی داستان‌هایش شناخته می‌شود؛ شاید بتوان او را نخستین نویسنده‌ای دانست که در این سبک و سیاق رمان و داستان می‌نویسد اما تردیدی نیست که یکی از اولین اهالی کتاب است که تلاش کرده از تاریخ در خلق آثار خود بهره بگیرد. در این بین یکی از نوشته‌های مشهور او که جوایز مختلفی هم کسب کرده سه گانه «دروازه مردگان» است، مجموعه‌ای که تا به امروز دو جلدش منتشر شده و جلد سوم هم همین روزها روانه کتابفروشی‌های می‌شود. دوره تاریخی ماجراجویی که در این سه‌گانه می‌خوانیم هم نظیر دیگر نوشته‌های شاه‌آبادی در دوره قاجار سیری می‌شود. او ماجراهای این رمان چند جلدی را براساس وقایع عجیب و جالب توجه آن روزگار نوشته، مواردی از زندگی مردم و بویژه بچه‌ها که گاهی جنبه طنز پیدا می‌کند و گاهی هم به تلخی می‌زند. حالا بماند که در بخش‌هایی هم آمیخته به شد،هایی از ادبیات وحشت شده که همین مسأله به جذابیت اتفاقات آن افزوده است. در این رمان که حتی بزرگسالان هم می‌توانند مخاطب آن باشند مضمون اصلی مرگ است؛ آن‌هم در ارتباطی واقعی که به مرگ کودکان می‌انجامد. یکی از شخصیت‌هایی که مخاطبان در این اثر

بازآلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث

را زلود می‌شود.

گفته، در دوره قاجار خانه‌ها بر خوردار از حوض آبی بوده‌اند که عقیق این حوض‌ها در خانه اشراف و اعیان به مراتب بیشتر بوده؛ آنچنان که برخی از کودکانی که به‌کار در این خانه‌ها مشغول بودند در حوض‌ها افتاده و خفه می‌شدند. شاه‌آبادی ماجرای این اتفاق را در قالب داستانی ترسناک اما قابل فهم برای مخاطبان روایت کرده است. اما اگر بخوانید قدری دقیق‌تر درباره داستان این رمان بدانید، دروازه مردگان درباره پرسر نوجوانی است که متوجه قالیاب‌خانه‌ای می‌شود که کودکان بی‌سرپرست را زنده‌و در شرایط سختی وادار به فریبایی در آن می‌کند؛ تا اینجا شاید برای آن روزگار اتفاق عجیبی نباشد. بایین حال مسأله اصلی درباره جزائرهایی است که در دیوارها دفن شده‌اند و البته حوض ترسناکی که سبب وقوع حوادث